

جایگاه زن در عصر آهن با تکیه بر مطالعات قوم باستان‌شناسی در میان کوچ‌نشینان غرب زاگرس مرکزی

علی نوراللهی^{۱*}، حسن طلائی^۲، بهمن فیروزمندی^۳

چکیده

تاکنون گورستان‌های متعددی متعلق به عصر آهن در غرب زاگرس مرکزی کاوش شده و در آن‌ها اشیای تدفینی خاص زنان به دست آمده است. اما کاوشگران جز توصیف داده‌ها و شکل تدفین به موضوع جایگاه زنان در این دوره نپرداخته‌اند. این موضوع از این امر ناشی بوده که در میان اشیای تدفینی هیچ کتیبه یا نوشته‌ای در ارتباط با این گورها به دست نیامده و همچنین مطالعات مربوط به زنان تازه در ادبیات باستان‌شناسی مطرح شده بود. پژوهشگران این گورستان‌ها را به نیمه کوچ‌نشینان نسبت داده‌اند، که این نوع معیشت در قالب ایلی در این منطقه تا حال حاضر نیز رواج دارد. بنابراین، می‌توان گفت که با توجه به همسانی جغرافیایی و تاحدود زیادی معیشت این مردمان با ایلاتی (خزل، ملکشاهی و کلهر) که در این منطقه ساکن‌اند، همچنین تداوم سنت‌ها در زاگرس مرکزی، که در این مقاله به آن‌ها از جمله شیوه تدفین اشاره شده، به بررسی جایگاه زنان در عصر آهن از منظر قوم باستان‌شناسی پرداخته شده است. در این مقاله، گورهای متعلق به زنان در ۱۴ گورستان بررسی شده؛ با توجه به اینکه در میان این ایلات جایگاه زنان در قالب خانواده نمود می‌یابد، که خود تابع عوامل متعدد اجتماعی-سیاسی و اقتصادی است. در پایان نیز جمع‌بندی از کلیه مطالب ارائه شده است.

کلیدواژگان

جایگاه زنان، خانواده، غرب زاگرس مرکزی، قوم باستان‌شناسی.

alinorallahy@yahoo.com

۱. دکتری باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

۲. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

b.firoz@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۳

مقدمه

در غرب زاگرس مرکزی، کاوش‌ها و پژوهش‌های زیادی در مورد عصر آهن انجام گرفته که به کشف و شناسایی گورستان‌های متعددی منجر شده که در میان این گورستان‌ها، گورهای متعلق به زنان نیز کاوش شده، اما دامنه این پژوهش‌ها از توصیف اشیای تدفینی و چگونگی تدفین فراتر نرفته است که از دلایل آن، نبود منابع مکتوب مانند کتیبه‌های به‌دست‌آمده از خزانه تخت‌جمشید و توجه کمتر باستان‌شناسان به جایگاه زنان در این دوره بوده، که خود متأثر از شرایط و نوع این پژوهش‌هاست که بیشتر به‌صورت نجات‌بخشی بوده‌اند و از طرف دیگر، هنوز مطالعات مربوط به زنان در باستان‌شناسی جایگاه خود را نیافته بود و در ابتدای راه قرار داشت [۱۲].

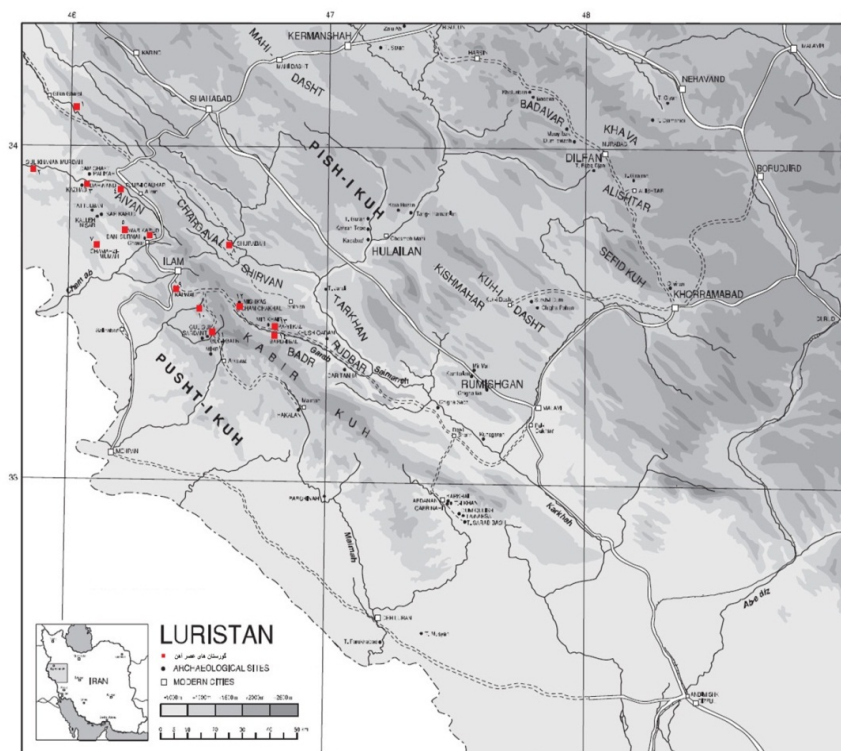
نگارندگان در این مقاله براساس شواهد باستان‌شناختی به‌دست‌آمده، ابتدا به بررسی گورستان‌های عصر آهن در غرب زاگرس مرکزی و چگونگی توزیع قبور زنان در این منطقه پرداخته‌اند. در بسیاری از گورها هیچ اسکلتی به‌دست نیامده و تنها اشیای تدفینی ملاک انتساب گور به زن یا مرد قرار گرفته است که این اشیای تدفینی اطلاعات زیادی از جایگاه زنان دفن‌شده در زمان حیات ارائه نمی‌دهند. از طرف دیگر، با توجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته در غرب زاگرس مرکزی، تا کنون محوطه یا محوطه‌های استقرار مربوط به این دوره، که بتوان این گورستان‌ها را به آن ارتباط داد، شناسایی و کاوش نشده و پژوهشگران این گورستان‌ها را متعلق به جوامع نیمه‌کوچ‌نشین می‌دانند [۲۲؛ ۲۳]. این شیوه زیست و معیشت در گذشته شیوه غالب زندگی این مناطق بوده و در حال حاضر به‌رغم تغییرات زیاد سبک زندگی هنوز ادامه دارد و می‌توان گفت این اقوام هرچند با فراز و نشیب‌های فراوان از عصر آهن و پیش‌تر از آن، تا کنون در این مناطق حضور داشته‌اند. بنابراین، با توجه به همانندی شیوه تدفین و زیست و معیشت این اقوام یا صاحبان این گورها، بررسی جایگاه زنان از نظر اجتماعی و اقتصادی در زندگی کوچ‌نشینان امروزی می‌تواند بسیاری از جنبه‌های تاریک و مبهم جایگاه زنان را در این دوره روشن کند.

محدوده پژوهش شده

محدوده این پژوهش دربرگیرنده غرب زاگرس مرکزی است که امروزه بخش‌های غرب و شمال غرب استان ایلام، یعنی قلمرو ایل‌های خزل، ملکشاهی و طوایف کلهر ساکن در شهرستان ایوان، را دربرمی‌گیرد. این مناطق به‌طور کلی پشتکوه نامیده می‌شود.^۱ در این مقاله، از شیوه بررسی میدانی، به‌ویژه گفت‌وگو با زنان عشایر، برای گردآوری اطلاعات و

۱. جغرافی دانان دو منطقه لرستان و ایلام امروزی را، که به وسیله رشته‌کوه کبیرکوه از هم جدا می‌شوند، به پشتکوه (ایلام) و پیشکوه (لرستان) تقسیم کرده‌اند.

همچنین مطالعات کتابخانه‌ای جهت تکمیل داده‌های حاصل از بررسی میدانی استفاده شده است (شکل‌های ۱ و ۱۷).



شکل ۱. گورستان‌های پژوهش‌شده: ۱. کولاشگ، ۲. گلخان‌مرده، ۳. دارون B، ۴. جوب‌گوهر، ۵. پشت‌کیبود، ۶. ورکیبود، ۷. چم‌ژی‌مومه، ۸. شورابه، ۹. کل‌والی، ۱۰. کان‌گنبد، ۱۱. کتل‌گل‌گل، ۱۲. چم‌چغل، ۱۳. پاکل، ۱۴. بردبل [۱۴]

گورستان‌هایی غرب زاگرس مرکزی

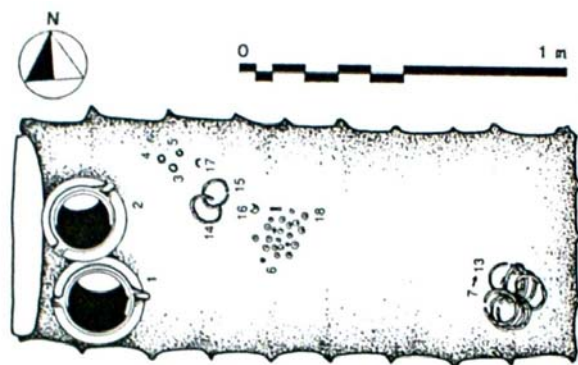
گورستان تولکه‌نام آه‌زا^۱: این گورستان در بخش چوار، نزدیک روستای آه‌زا قرار دارد و با خط مستقیم در حدود ۱۰ کیلومتری شمال غرب چوار واقع است. سه گورستان در آنجا شناسایی شده که عبارت‌اند از گورستان بان‌بنی (گورستان A)، بان‌باریک (گورستان C) و تولکه‌نام (گورستان B). در گورستان تولکه‌نام آه‌زا، یک تدفین متعلق به زنان کاوش شد که

۱. این نام برگرفته از نام روستای آه‌زا است که اشتباهاً از سوی هیئت بامی تولکه نام آه‌زا ثبت شده بود.

گور ۵ نام‌گذاری شد. در آن، علاوه بر ابزار سنگی، یک تنگ و بشقاب از سفال خاکستری، یک پابند آهنی سالم، ۶ قطعه شکسته پابند آهنی، یک پابند مفرغی و دو حلقه مفرغی نیز به‌دست آمد. که متعلق به عصر آهن IIB است [۲۷]. از گورهای ۱ و ۲، به جز ظروف سفالی، هیچ سلاحی به‌دست نیامد [۲۱].

گورستان چال‌اسد درگه:^۱ چال‌اسد درگه در غرب ایوان و در غرب روستای چادرنشینی به نام درگه، که در کنار یک شاخه‌های فرعی و فصلی رود گنگیر واقع شده، قرار دارد. گورستان چال‌اسد در ۱۹۷۷ و در طول بررسی بخش شمال غربی بخش ایوان کشف شد. سه گور در ۲۵ آگوست همان سال کاوش شده بود. گورهای ۱ و ۳ را با توجه به وجود سلاح، خنجری با قبضه زهواردار، تعداد سرپیکان‌های مفرغی و سنگ چخماق باید گورهای مردان در نظر گرفت. آن‌ها را می‌توان صرفاً به عصر I و II تاریخ‌گذاری کرد. اما در گور ۲ هیچ نوع سلاحی به‌دست نیامد. شاید بتوان آن را قبر یک زن دانست که با تردید زیاد همراه است [۲۱].

گورستان دارون B: در کرانه چپ رود گنگیر، در جنوب غربی روستای پلیه در بخش زرنه قرار دارد. در میان ۱۴ گور، که هیئت بامی^۲ (در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۷) کاوش کرد [۲۴]، در گور ۳، زیورآلات زنانه شامل ۳ حلقه مفرغی، یک دکمه مفرغی، ۹ پابند آهنی، یک حلقه آهنی، یک حلقه سنگی و تعداد ۲۲ مهره از جنس سنگ، صدف، خمیر چینی، در کنار دیگر اشیای سفالی به‌دست آمد. این گورستان شامل گورهای از دوره مفرغ تا عصر آهن III است. از گورهای ۱، ۲، ۴، ۶، ۷ و ۱۲-۱۴، جز سفال چیز دیگری به‌دست نیامده است [۲۱] (شکل ۲).



شکل ۲. پلان گور ۳، دارون B و اشیای تدفینی داخل آن [۲۱]

۱. درگه نام صحیح روستایی است که گورستان چال‌اسد در غرب آن حفاری شده و هیئت بامی به‌اشتباه آن را دریکه یا با نام‌های دیگر معرفی کرده‌اند.

2. BAMI (Belgian Archeological Mission in Iran)

گورستان کان‌گنبد: این گورستان در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان ایلام و در مسیر راه ایلام به ارکواز کلکشاهی واقع است که تعدادی گور متعلق به دوره مفرغ تا عصر آهن در گورستان کاوش شد، اما فقط در میان خاک‌های گور ۱۱، تعداد زیادی مهره عقیق و یک حلقه فلزی و یک قطعه صدف به طول ۸ سانتی‌متر با مقطعی چهارگوش به‌دست آمد. این گور ۱۵۰ سانتی‌متر طول، ۱۲۵ سانتی‌متر عرض و ۵۶ سانتی‌متر عمق دارد و دیواری به ضخامت ۲۳ تا ۳۰ سانتی‌متر، در جهت شمالی- جنوبی، با ده درجه انحراف غربی، در میانه گود جاده قدیم قرار دارد. دیوارهای آن از سنگ‌های کوهستان و با بدنه صاف ساخته شده‌اند. در این گور، بقایای ۴ جسد یافت شد که به‌هم‌ریخته‌اند و هیچ‌گونه انسجامی بین استخوان‌های بدن اجساد وجود ندارد که باید متعلق به اوایل هزاره اول پ.م. باشند [۶]. در بخش‌های کاوش‌شده این گورستان نیز گور یا اشیای تدفینی مختص زنان (خلخال یا پابند) به‌دست نیامده است.

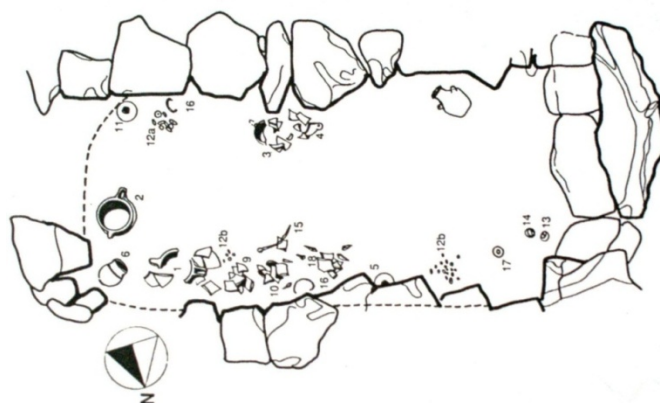
تپه کل‌والی: این گورستان در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب شرق ایلام و در طرف راست جاده منتهی به ایلام، که از صالح‌آباد به مهران می‌گذرد، و در ۲ کیلومتری روستای چشمه‌کبود واقع شده است. در این گورستان، ۲۱ گور کاوش شد و هیچ گور زن یا زیورآلاتی که مختص زنان باشد به‌دست نیامد. این گورستان براساس اشیای تدفینی متعلق به اواخر عصر آهن II است [۲۱].

گورستان چم‌چغل: این گورستان نزدیک روستای محمدآباد و حدود یک کیلومتری شمال پل جعفرآباد میشخاص و در دره میشخاص بین کبیرکوه و رشته‌کوه‌های چمن‌گیر واقع شده است. در این گورستان، تنها ۲ گور کاوش شد که در گور ۱ تعدادی ظرف سفالی و ابزار سنگی و در گور ۲ تعداد ۵ مهره دایره‌ای صدفی و تعدادی ظرف سفالی، تیغه خنجر و سر پیکان به‌دست آمد که نشان‌دهنده این است که این دو گور متعلق به مردان است. این گور براساس گونه‌شناسی اشیای تدفینی آن، عصر آهن IA تاریخ‌گذاری شده است [۲۱].

گورستان دورویه: در بخش ارکواز و حدود یک کیلومتری غرب جاده ارکواز به ایلام و حدود ۲ کیلومتری روستای گل‌گل قرار دارد (منطقه میشخاص). واندنبرگ ۱۹ گور را کاوش کرد که سه عدد از این گورها فاقد اشیای تدفینی بودند. تنها در ۴ گور زیورآلات و اشیای تزئینی به‌دست آمد. در گور ۱، یک حلقه مفرغی، گور ۴، دو حلقه مفرغی و بیشترین زیورآلات تزئینی در گور ۵ یافت شد که عبارت‌اند از یک دستبند مفرغی، ۲ حلقه موی مفرغی، ۲ سنجاق مفرغی سوراخدار (احتمالاً جوالدوز). همچنین در گور ۶، تعداد ۲ سنجاق سوراخدار (احتمالاً جوالدوز) با تزئینات کنده‌کاری به‌دست آمد [۲۱]. اما با توجه به اینکه این زیورآلات هم توسط زنان و هم مردان استفاده می‌شده، نمی‌توان با قطعیت این گورها را متعلق به زنان دانست؛ هرچند هیچ سلاحی در این گورها به‌دست نیامده است. این گورستان متعلق به عصر آهن I و II است.

گورستان پاکل: این گورستان در ۴۸ کیلومتری جنوب شرق شهر ایلام و ۶ کیلومتری

روستای چنارباشی نزدیک گورستان بردبیل و در کنار روستای پاکل گراب قرار دارد. این گورستان در سال ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ کاوش شد که طی آن ۱۵ گور حفاری شد و فقط ۷ گور دارای اشیای تدفینی بودند. از میان آن‌ها، تنها گور ۱، توجه به ۲ عدد پابند آهنی، احتمالاً متعلق به یک زن است، در این گور، هیچ‌گونه بقایای اسکلت به‌دست نیامد. به همراه این پابند آهنی، چند ظرف لوله‌دار و زیورآلات آهنی و مفرغی (حلقه و سنجاق) به‌دست آمد که متعلق به عصر آهن IB و II است [۲۱]. در گورهای دیگر، علاوه بر ظروف سفالی زیورآلات (مهره‌ها، حلقه مو، حلقه، حلقه انگشتری و دستبند) و سوزن مفرغی به همراه سلاح به‌دست آمده است (شکل ۳)



شکل ۳. پلان گور ۵، گورستان پاکل به همراه اشیای داخل آن [۲۱]

گورستان پشت‌کبود: این گورستان در بخش چوار شهرستان ایلام و در نزدیکی روستای گله‌جار قرار دارد که در ۵ کیلومتری شمال شرق چوار واقع است. فقط ۵ گور در این گورستان کاوش شد و در یک گور اشیای تدفینی مرتبط با زنان به‌دست آمد. از گور ۲، یک قوری، کاسه و ملاقه و تنگ سفالی و ۴ پابند آهنی (خلخال) و از گورهای ۳ و ۴ و ۵ نیز قوری، تنگ، ملاقه و صندوقچه سفالی به‌دست آمد. اما به علت نبود پابند یا خلخال، انتساب گور ۳ و ۴ به زنان با شک و تردید همراه است؛ هرچند در این دو گور هیچ سلاحی یافت نشد. این گورستان متعلق به دور، گذر از عصر آهن II به III یعنی اواخر عصر II و اوایل عصر III است [۲۱].

گورستان بردبیل: این گورستان در شهرستان بدره ایلام و در حاشیه رودخانه گراب، در نزدیکی چنارباشی و در ۴۵ کیلومتری جنوب شرق ایلام قرار دارد و سال ۱۹۶۹ کاوش شده است [۲۵]. ابعاد محوطه‌ای که حفاری شد، ۲۳ × ۳۰ متر بود و ۷۰ گور کاوش شد که ۱۵ گور قبلاً از سوی سوداگران فرهنگ غارت شده بود. تدفین‌های متعلق به زنان از گورهای ۳، ۱۰، ۱۷، ۲۹، ۶۲، ۶۸، ۷۰ کاوش شد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

گور ۳: واندنبرگ این گور را متعلق به یک زن دانسته است [۲۲]. بخش‌هایی از دو جمجمه

نشان‌دهنده دو اسکلت در این گور است. در این گور، اشیای تدفینی کمی که شامل لوله ناودانی، یک قوری یا ظرف لوله‌دار، یک حلقه مفرغی، ۴ حلقه انگشتری صدفی و ۵۷ مهره از سنگ و صدف است به دست آمده است [۲۱].

گور ۱۰: بقایای ۴ اسکلت که شامل ۳ زن و یک مرد بود در این گور به همراه ۱۳۰ قطعه اشیای تدفینی شامل ۲۵ حلقه آهنی، یک پابند آهنی، ۳ پابند مفرغی، ۴ صندوقچه سفالی و یک درپوش صندوقچه سفالی، ۵ سنجاق آهنی، یک دستبند مفرغی، ۱۸۷ عدد مهره سنگی و صدفی و بقیه اشیای تدفینی دربرگیرنده سر پیکان، خنجر، تیغه آهنی، بشقاب، کاسه، لیوان، فنجان و پیاله، تنگ، کاسه، سینی پایه‌دار و قوری کاوش شد. این گور متعلق به عصر آهن II-III است [۲۱].

گور ۱۱: این گور، که روی سنگ سرپوش گور ۱۰ ساخته شده بود، جدیدتر است. در این گور، یک پابند آهنی به همراه ظروف لوله‌دار و دو ابزار سنگی به دست آمد که پابند نشان‌دهنده تعلق گور به یک زن است. این گور متعلق به عصر آهن II است [۲۱].

گور ۱۷: بقایای به هم ریخته چند اسکلت با بخش‌های از مجموعه آن‌ها در انتهای گور کشف شد که در میان آن‌ها فک پایین یک انسان وجود داشت. همچنین دو پابند (خلخال) مفرغی بر روی دو استخوان ساق پا در کنار هم در این قسمت کشف شد. براساس مطالعات دکتر جانسون، دو مرد و یک زن بالغ در این گور دفن شده بودند. ۸۷ شیء در این گور به دست آمد که شامل زیورآلات (۳ دستبند مفرغی، ۳ دستبند آهنی، ۶ حلقه آهنی، ۱۵ سنجاق که ۶ عدد از آن‌ها مفرغی با سر توتی‌شکل و ۴ عدد آهنی- مفرغی با سر توتی‌شکل و بقیه آهنی هستند، ۲ پابند مفرغی، ۴ گیره حلزونی آهنی، ۱۴ مهره از سنگ، صدف و سفال) و بقیه شامل سرعلمک با پایه، لیوان، تنگ، خنجر، سرپیکان، کاسه، فنجان و پیاله، بشقاب، قوری (ظروف لوله‌دار) هستند که براساس گونه‌شناسی، اشیای عصر آهن IIA-IB تاریخ‌گذاری شده‌اند [۲۱].

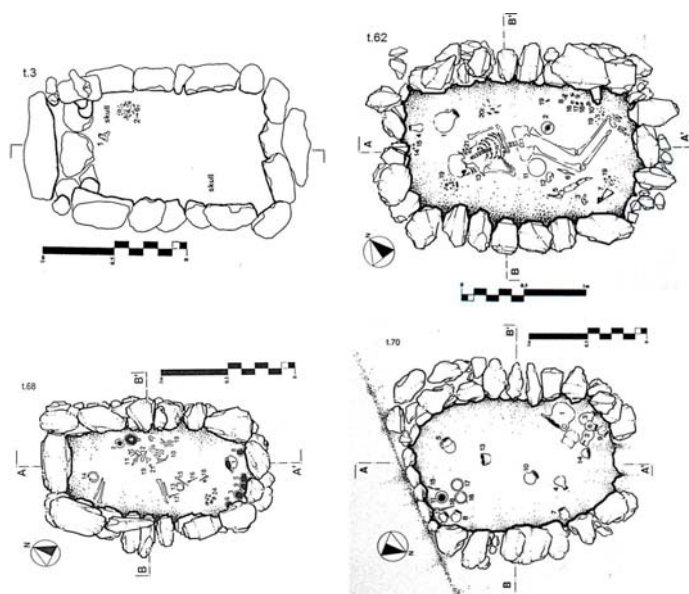
گور ۲۹: مجموعه‌ای در نزدیک دیواره شمالی (دیواره پشتی) این گور کشف شد. اما براساس ۲ پابند مفرغی و نبود سلاح در این گور، می‌توان نتیجه گرفت که متعلق به یک زن است. در این گور، ۳ دستبند مفرغی و یک دستبند آهنی، یک سوزن مفرغی، ۲ سنجاق آهنی- مفرغی، لیوان، کاسه، پیاله، فنجان، تنگ و قوری یافت شد [۲۱].

گور ۶۲: جهت این گور از شرق به غرب است که با سه دیوار متشکل از چند رگ تخته‌سنگ ساخته شده است. مدخل با چند تخته‌سنگ مسدود شده و ساختار گور مستطیل‌شکل و فاقد در پوش است. ابعاد خارجی گور ۳/۴۵ متر طول و ۱/۹۰ متر عرض و ابعاد داخلی نیز ۱/۸۵ متر طول، ۱/۱۶ متر عرض و ۰/۷۸ متر عمق داشت. در وسط گور، اسکلت دختر جوانی در وضعیت سالم حفظ و به صورت خمیده دفن شده است. در یکی از گوشه‌های گور، تکه‌هایی از استخوان و دندان انسان وجود داشت. طبق مطالعات دکتر جانسون، بقایای

استخوان متعلق به مردی ۲۵ ساله و اسکلت مربوط به دختر ۲۰ ساله‌ای است. اشیای تدفینی همراه مرده‌ها حدود بیست شیء است. همچنین، در کنار اسکلت این اشیا یافت شد: یک موگیر مارپیچ‌شکل با دو قطر ۲ سانتی‌متر، انگشتری به قطر ۱/۵ سانتی‌متر، جامی به قطر ۱۴/۸ سانتی‌متر و ارتفاع ۶/۵ سانتی‌متر، یک سنجاق آهنی با سر لوله‌ای، ۲ مهر سفالی به قطر ۲ سانتی‌متر با نقوش حکاکی‌شده بز کوهی، موجودی افسانه‌ای (شیر بالدار با سر انسان)، گردنبندی با ۱۳ مهره که ۲۴ مهره آن از عقیق سرخ و ۴ مهره از سنگ آهک است [۲۵]. این گور متعلق به عصر آهن IA است که در عصر آهن III مجدد استفاده شده است [۲۱].

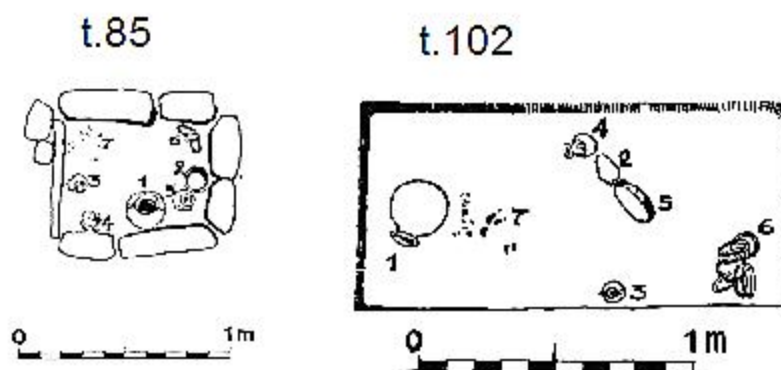
گور ۶۸: بقایای استخوان ۲ اسکلت در نیمه شمال غربی گور به دست آمد که استخوان‌های آن‌ها در هم ریخته و آشفته‌اند. سلاح‌ها (خنجر مفرغی، سر تبر شاخدار و چاقوتیزکن) و پابندها (دو پابند مفرغی و یک پابند آهنی) نشان‌دهنده تدفین یک زن و مرد در این گور است [۲۱].
گور ۷۰: این گور متعلق به یک زن است، زیرا در گوشه جنوبی غربی این گور ۲ پابند مفرغی با تزیینات کننده کاری به دست آمد که در کنار هم قرار داشتند. این گور به عصر آهن IA تعلق دارد [۲۱].

این گورها متعلق به عصر آهن II-I هستند که از گور ۱۰ و ۱۱ در عصر آهن III دوباره استفاده شده است [۲۱] (شکل ۴).



شکل ۴. پلان گورهای ۳، ۶۲، ۶۸، ۷۰ گورستان بردیل [۲۱]

گورستان ورکبود: این گورستان در ۲۵ کیلومتری شمال غربی ایلام در منطقه هموار کوچکی بین کوه‌ها و کنار رودخانه لشکان-شاخه کوچکی از رودخانه چوار-واقع شده است. روستاییان بخش بزرگی از قبرستان را غارت کرده بودند که حدود ۱۰۰۰ گور سرقت‌شده قبل از بررسی محل تخمین زده شد. در مجموع، ۲۰۳ گور ثبت شد [۱۴]. گورهای ۸۵ و ۱۰۲ متعلق به زنان است.^۱ در گورهای زنان، همچون گور ۱۰۲، بیشتر اشیای زینتی و تزئینی مانند گردنبند، گوشواره‌های طلایی و نقره‌ای، انگشتری، دستبندها، پابند مفرغی (خلخال) رؤیت شد. همچنین در گور ۸۵ نیز ۳ پابند مفرغی (خلخال)، یک گوشواره هلالی، ۹ مهره گردنبند به دست آمده است [۲۷]. به‌طور کلی، این اشیا از گور زنان به دست آمده است: انگشتر، دستبند، پابند (خلخال)، سنجاق، دکمه، سنجاق قفلی، اشیای زینتی شامل گردنبند و گوشواره‌های نقره‌ای به شکل آویز و گوشواره‌های طلایی به شکل هلالی [۲۶]. این گورستان متعلق به عصر آهن III است (شکل ۵).



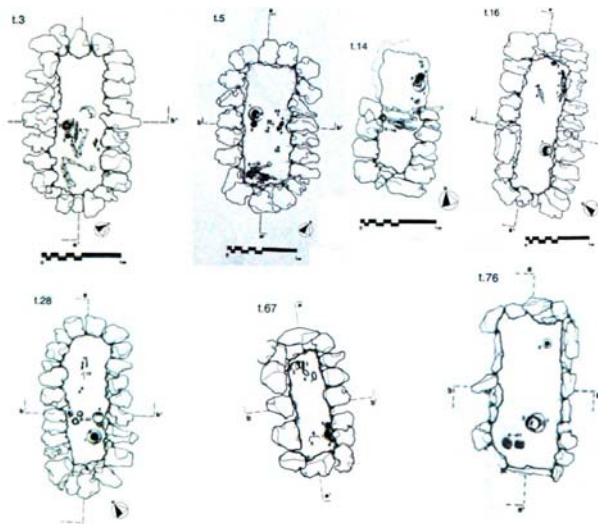
شکل ۵. پلان گورهای زنان گورستان ورکبود [۲۷]

گورستان چم‌زی مومه: این گورستان در فاصله ۴۸ کیلومتری شمال غرب شهر ایلام واقع شده است و در فاصله یک کیلومتری گورستان، در پیچش (چم) رودخانه، دهکده مومه قرار دارد. گورها در زیر لایه‌ای از رسوب خاک آبرفتی به ضخامت ۲ متر قرار دارند [۱۱]. گورستان بر اثر فرسایش دیواره رودخانه و پیداشدن آثار چند گور در حاشیه رودخانه کشف شد [۲۴]. اشیای تدفینی گورهای زنان و مردان متفاوت است. در گور زنان، اشیای تزئینی مانند گردنبندها، مهره‌ها، دستبندها، پابند (خلخال) و گوشواره‌های نقره‌ای به دست آمد. در ضمن، ظروف سفالی و فلزی هم در گورهای زنان و هم در گورهای مردان کشف شد [۱۶]. با توجه به

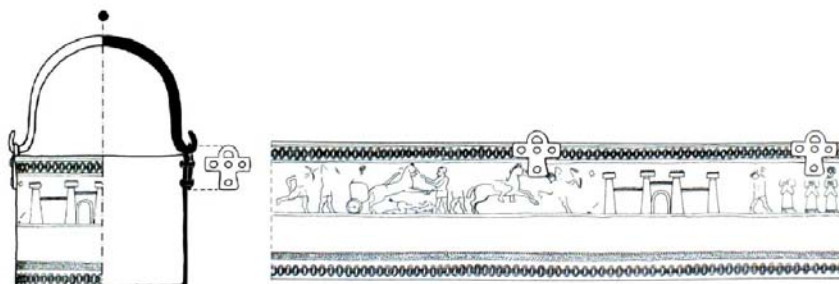
۱. واندنبرگ گورهای ۱۰ و ۱۷ گورستان ورکبود را متعلق به زنان دانسته [۲۲]، درحالی‌که در میان اشیای تدفینی این گورها اشیای مختص زنان به دست نیامده است.

اشیای تدفینی (پابندها) داخل گورها، گورهای ۳، ۵، ۱۴، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۳۶، ۴۲، ۴۶b، ۶۷، ۷۶، ۷۹ متعلق به زنان است. نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره شود این است که در بیشتر گورها علاوه بر سلاح‌ها و سپرها و وسایل جنگی مردان، اشیای تزیینی و زیورآلات نیز دیده می‌شود که احتمالاً مردان از آن‌ها استفاده می‌کردند. در گور ۴۱، یک ظرف دوقلو و در گور ۷۲ یک ظرف سه‌قلو به همراه گوشواره و دستبند و دیگر اشیای تزیینی یافت شد. این گورها با توجه به ظروف کشف‌شده متعلق به یک زن است [۱۶] (شکل ۶).

اما مهم‌ترین یافته‌ی نقش در ارتباط با زنان در روی یک سطل دسته‌دار مفرغی کنده‌کاری شده است که از گور ۴۳ به دست آمد. این نقش، به شکل استوانه و با دسته‌ای متحرک است که بعد از حکاکی نقوش به بدنه میخ پرچ شده است. روی بدنه این ظرف صحنه نبردی با ارابه و اسب و پیاده شبیه نقش برجسته‌های آشوری و یک قلعه با دروازه قرار دارد که در دو طرف آن، چهار برج کنگره‌دار دیده می‌شود. در صحنه دیگر جنگجویی در حال بردن سه اسیر با لباس‌های حاشیه‌دار بلند تا روی پاست؛ اسرا با دست‌های روی سینه به صورت ضربداری و از روبه‌رو نشان داده شده‌اند (شکل ۷). با توجه به مقایسه لباس‌های این سه اسیر با صحنه مردان در حال جنگ و لباس‌های دو مرد در حال شکار در روی بدنه ظرف به دست آمده از گور ۳۷ می‌توان گفت که این سه نقش مربوط به زنان است [۱۶]. این گورستان متعلق به عصر آهن III است.

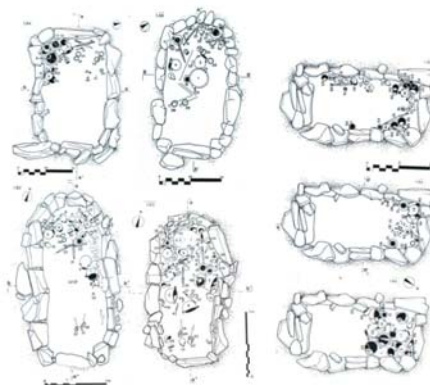


شکل ۶. پلان گورهای متعلق به زنان گورستان چم‌ژی مومه [۱۶]



شکل ۷. سطل مفرغی به‌دست‌آمده از گور ۴۳ گورستان چم‌ژی‌مومه [۱۶]

گورستان کتل‌گل‌گل: این گورستان در جنوب شرق شهر ایلام در بخش ارکواز ملکشاهی واقع شده و طی عملیات راهسازی کشف و در همان سال (۱۹۷۲) کاوش شد [۲۶]. در این گورستان غارت‌شده، ۱۷ گور سالم کاوش شد که از آن میان ۷ گور به عصر آهن I و ۹ گور دیگر به دوره انتقالی عصر آهن I به II تعلق دارند [۱۰]. براساس اشیای تدفینی به‌دست‌آمده، گورهای ۲A، ۴A، ۶A، ۹A، ۱۰A، ۱۳A و ۲B، ۳B متعلق به زنان است. از میان آن‌ها، گور ۴A جالب توجه است که اسکلت یک زن به همراه یک مرد در آن قرار داشت و اشیای تدفینی به‌دست‌آمده از این گور عبارت‌اند از: یک صندوقچه سفالی، ۲ سنجاق مفرغی با سر اردک در حال شنا، ۲ دستبند مفرغی، ۴ پابند (خلخال) مفرغی، ۲ حلقه انگشتری صدفی، ۲ مهره عقیق جگری، به همراه خنجر و تعدادی ظروف سفالی. همچنین، ۶ پابند (خلخال) مفرغی از گور ۶A به‌دست آمد که ۲ تای آن‌ها در پای اسکلت قرار داشت. با توجه به شواهد، در این گور یک زن و یک مرد دفن شده بودند. این وضعیت، یعنی تدفین زن و مرد در یک گور، در گور A۹ و A۱۰ نیز دیده می‌شود. این گورستان متعلق به عصر آهن I و II است [۲۱] (شکل ۸).

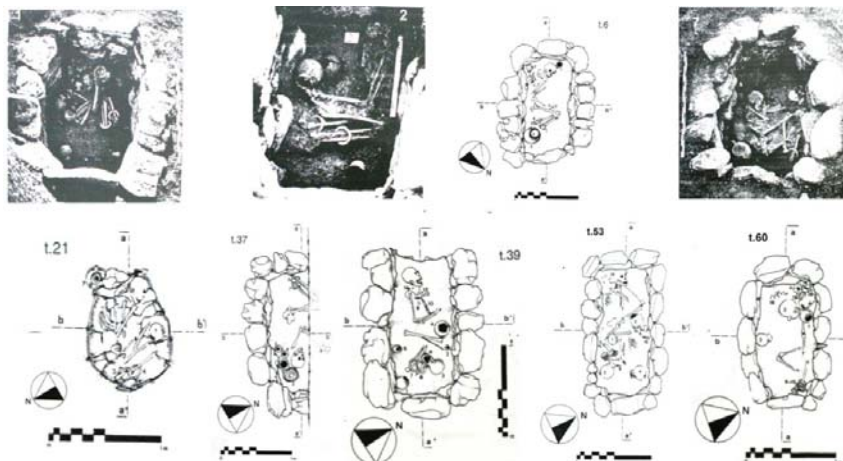


شکل ۸. پلان گورهای B۲، B۳، A۹، A۶، A۴ گورستان کتل‌گل‌گل [۲۱]

گورستان شورابه: این گورستان در شهرستان شیروان چرداول و در غرب روستای دراشکفت و کرانه جنوبی رودخانه چرداول قرار دارد. این گورستان در سال ۱۹۶۹ از سوی هیئت بامی بررسی و کاوش شد. همه گورهای این قبرستان توسط سوداگران فرهنگ تخریب شده بودند. تنها گور غارت نشده این گورستان آرامگاهی سنگی است که سه دیوار آن به غیر از دیوار شرقی اش با تخته سنگ‌های عمودی روکش شده است. این گور جهت شرقی-غربی دارد و ابعاد بیرونی اش ۱/۲-۱/۶ متر و عمقش ۰/۸ متر است [۱۰]. در این گور، دو سنجاق مفرغی با سر توت^۱ مانند، دو سوزن (جوالدوز) مفرغی که یکی از آن‌ها شکسته، دو دستبند مفرغی، ۲ حلقه انگشتری تزیین شده صدفی به همراه دو خنجر ۳۴ ظرف سفالی و تعدادی ابزار سنگی به دست آمد. این گور متعلق به عصر آهن I بوده که در عصر آهن III مجدد مورد استفاده قرار گرفته و بقایای اسکلت و تعدادی سفال متعلق به این دوره است [۲۱].

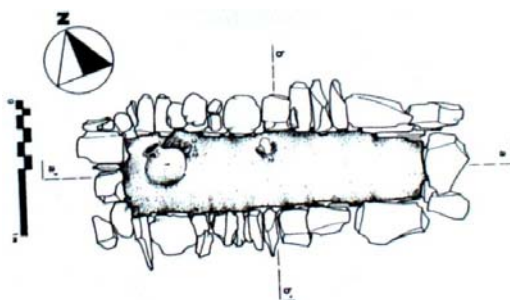
گورستان جوب گوهر: این گورستان در دشت ایوان، استان ایلام، در میان زمین‌های کشاورزی کنار رودخانه گنگیر، حدود ۲۰۰ متری شمال شرقی روستای جوب گوهر واقع شده است. جمعاً ۶۶ گور از یک گورستان تقریباً غارت شده در جوب گوهر در سال ۱۹۷۷ از جانب هیئت باستان‌شناسی بلژیکی، به سرپرستی لویی واندنبرگ، کاوش شد. این هیئت ۵۶ گور با دیواره سنگ‌چین شده که با قطعات سنگی مسطح پوشیده شده بودند، ۹ گور که بعضی از آن‌ها با قطعات لاشه سنگی ساخته شده بودند که یکی از آن‌ها گوری خمره‌ای بود- گور ۲۱- را بررسی کردند. بیشتر گورها تدفین تک‌نفره داشتند، اما تعدادی از گورهای سنگی شامل حداکثر چهار اسکلت و از نوع گورهای دسته‌جمعی یا فامیلی بودند. این گورستان به عصر آهن III (۶۰۰-۷۵۰ پم) تعلق دارد. در این گورستان، اسکلت داخل قبور خوب حفظ شده بودند؛ به طوری که فرصت مناسبی برای ارتباط دادن اشیای تدفینی با جنسیت اسکلت‌ها (زن یا مرد) بود. یازده گور از ۶۶ گور کاوش شده (گورهای ۱، ۲، ۶، ۷، ۲۱، ۳۷، ۳۹، ۵۳، ۶۰، ۶۲، ۶۳) جوب گوهر براساس پابند و خلخال‌هایی که از آن‌ها به دست آمده متعلق به زنان بوده است. این پابندها و خلخال‌ها از این نظر مهم‌اند که در گور ۵۳، که در آن دو اسکلت به همراه سر گرز و تبر کاوش شد، روی اسکلت زن یک پابند قرار دارد [۱۷] (شکل ۹).

۱. این نوع تزیین الهام‌گرفته از طبیعت منطقه است که شبیه میوه بلوط داخل غلاف قبل از رسیدن است.



شکل ۹. تصاویر و پلان گورهای متعلق به زنان گورستان جوب‌گوهر [۱۷]

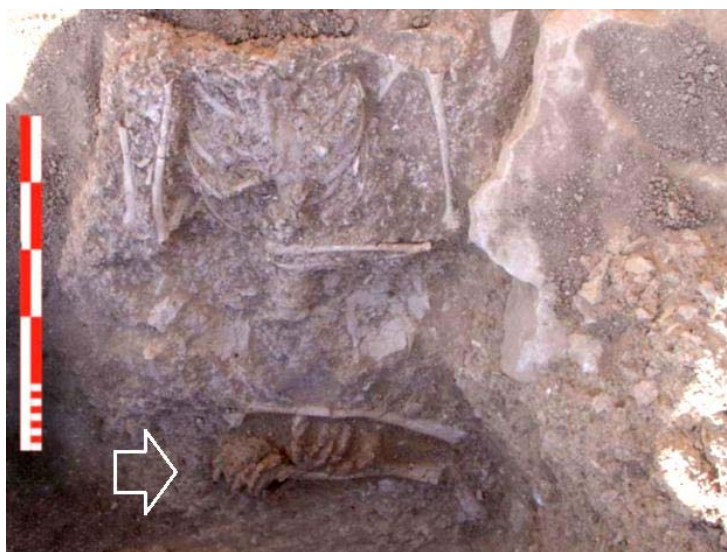
گورستان گلخنان مرده^۱: این گورستان در بخش زرنه‌دشت میان کوهی ایوان در شمال غرب استان ایلام و در دامنه شمالی شرقی کوه ورازانه واقع شده است [۱۳] که ۸۰ گور در آن کاوش شد. تشخیص جنسیت زن یا مرد بودن گورهای گلخنان مرده مورد اطمینان نیست، زیرا استخوان اسکلت‌ها خوب حفظ نشده است و اشیای تدفینی داخل گورها نیز در مورد جنسیت اسکلت‌های دفن شده نامطمئن‌اند. فقط گور ۵۹ متعلق به یک زن است که در آن ۱۰ پابند (خلخال) به‌دست آمده است (شکل ۱۰) و در دیگر گورها شاخص مهمی در این ارتباط به‌دست نیامد [۱۷]. این گورستان عصر آهن III تاریخ‌گذاری شده است.



شکل ۱۰. پلان گور ۵۹ گورستان گلخنان مرده به همراه اشیای تدفینی [۱۷]

۱. گلخنان یکی از دختران زیبایی ایل کلهر ایوان بوده که در این محل درگذشته است. به همین دلیل، این نام بر این منطقه مانده است. شعرهایی در وصف زیبایی این دختر از خان منصور و شاکه، دو شاعر نامدار ایوان در زمان نادرشاه، باقی مانده است [۴].

گورستان کولاشگ گیلانغرب: کولاشگ در ۶ کیلومتری جنوب شهر گیلانغرب و در غرب زاگرس مرکزی در استان کرمانشاه واقع شده است. این محوطه بین کوه میه‌خش و تق‌توق و در کرانه رودخانه کولاشگ واقع است. کاوشگران آن را به چهار بخش A، B، C، D تقسیم کرده بودند. گورستانی در کنار جایگاه کوچ‌نشینان امروزی شناسایی و ۴ گور آن کاوش شد که ۲ گور در ترانشه C و یکی در ترانشه A4 و دیگری در ترانشه B1 قرار داشت. گور A4 و B1 متعلق به مردان بود. یکی از دو گور به‌دست‌آمده از ترانشه C از نوع گورهای چهارچینه‌ای بود و دیگری بر اثر گودبرداری برای سد کاملاً تخریب شده بود. در گور دست‌نخورده، اسکلتی به‌دست آمد که سر در غرب و پاها در شرق قرار داشت (غربی- شرقی). سه انگشتری آهنی در انگشتان دست چپ، در نزدیک گردن اسکلت گوشواره یا آویزی از جنس طلا، چندین پابند (خلخال) در مچ پا و نیز تعدادی ظرف سفالی در کنار این اسکلت به‌دست آمد [۲۰]. این زیورآلات و جای قرارگیری آن‌ها روی اسکلت نشان‌دهنده آن است که شخص دفن‌شده زن است (شکل ۱۱). این محوطه براساس سفال‌های به‌دست‌آمده و نوع قبور هم‌زمان با دوره آشورنو یعنی عصر آهن II و III است.



شکل ۱۱. گور ۲ ترانشه C1 کولاشگ گیلانغرب [۲۰]

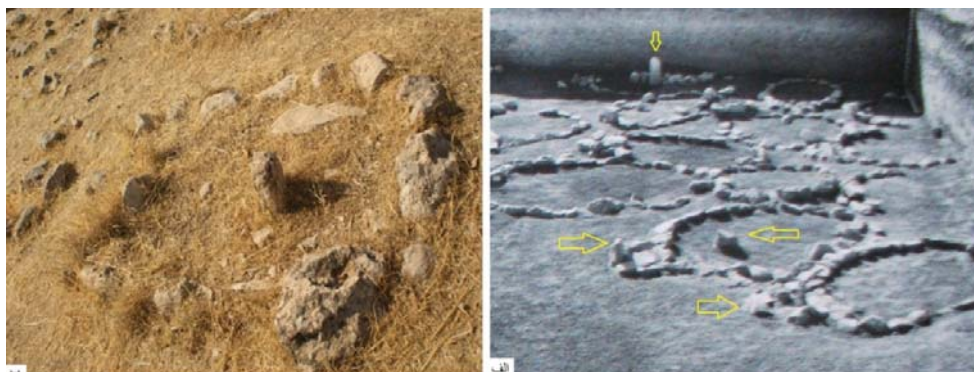
ساختار گورها

نتایج گزارش‌های کاوش‌های باستان‌شناسی در غرب زاگرس مرکزی نشان‌دهنده این است که همه گورستان‌ها و گورهایی که در این منطقه کاوش شده‌اند، بدون ارتباط با محل‌های مسکونی

و در خارج از محل‌های استقراری کشف شده‌اند و از نظر ساختار معماری به پنج گروه تقسیم می‌شوند؛ ۱. گورهای سنگی جعبه‌ای، ۲. گورهای سنگی بیضی‌شکل، ۳. گورهای حفره‌ای، ۴. گورهای دایره‌ای، ۵. گور خمره‌ای، ۶. گور نیم‌دایره‌ای یا نعل‌اسبی، ۷. قبور دسته‌جمعی.

نشانه جنسیت در قبرها

مسئله بین متوفی و اشیای تدفینی داخل قبر، که جنسیت و شغل او را تعیین می‌کند، رابطه‌ای وجود دارد؛ به‌خصوص در گورهایی که اسکلت داخل آن از بین رفته و فقط چند قطعه استخوان باقی مانده بود. به همین دلیل، در قبرستان‌های عصر آهن III مطالعه نوع اشیای تدفینی اهمیت بسیار زیادی می‌یابد. در میان این اشیاء سفال نمی‌تواند، چه از نظر تکنیک و چه از نظر شکل و فرم، نشان‌دهنده جنسیت صاحب گور باشد. اما واژنبرگ اشاره کرده که پیکره‌های حیوانی (گاو یا سگ) فقط در گورهای مردان و ظروف دوقلو و سه‌تایی فقط در گورهای زنان به‌دست آمده است. هنگامی که اشیای تدفینی داخل گور شامل ابزارها و سلاح‌هایی مانند سر تبرها، سر گرزها، سپرها، تیردان‌ها، سرپیکان‌ها و کلاه‌خودها باشد، می‌توانیم آن را متعلق به یک مرد بدانیم. همچنین، اگر در گوری اشیای زینتی، سنجاق‌ها و حلقه‌های موی سر و لباس، سنجاق قفلی‌ها، حلقه‌های بینی (خزمه)، پابند (خلخال) گردن‌بند وجود داشته باشد، نشان‌دهنده گور یک زن است. در صورتی که حلقه‌ها، گوشواره‌ها و دست‌بندها در گورهای مردانه نیز یافت شده است [۲۲]. بنابراین، مطالعه اشیای تدفینی می‌تواند جنسیت صاحب گورها را در قبرستان‌های این دوره مشخص کند. علاوه بر اشیای داخل گورها، سازندگان این گورها نشانه‌های در سطح زمین برای مشخص کردن جای گور و همچنین جنسیت شخص دفن‌شده قرار می‌دادند که این نشانه به‌صورت سنگی ایستاده یا میله‌ای بوده است. به نظر می‌رسد که این سنگ‌ها مختص گورهای عصر آهن I، II و III بوده و در کتل گل‌گل (۹ گور با ۱ تا ۳ سنگ میله‌ای)، در دورویه (یک گور با ۱ سنگ میله‌ای)، در پای‌کل (۴ گور با ۱ تا ۲ سنگ میله‌ای) و در بردبل (۸ گور با ۱ تا ۵ سنگ میله‌ای) [۲۱] و در گورستان چم‌ژی‌مومه [۱۶] و ورکبود [۲۷] دیده می‌شود. کاوشگران اغلب در طول کاوش به علت ناآگاهی از نقش این سنگ‌ها آن‌ها را ثبت نکرده و در گزارش خود به آن اشاره نکرده‌اند و در پلان آن‌ها نیز ترسیم نشده است. این احتمال را مطرح کرده‌اند که از آن سنگ‌های میله‌ای برای بستن چیزی به دیوارهای گور استفاده شده است [۲۱]. اما با مطالعه نوع تدفین و شکل و پلان گورهای کوچ‌نشینان این منطقه کارکرد و کاربرد این سنگ‌ها، که به‌عنوان شاخص و نشانه جنسیت روی گورها می‌گذارند، آشکار می‌شود. بدین صورت، برای نشان دادن مرد یا زن بودن صاحب گور معمولاً اگر فوت‌شده مرد بود، در قسمت بالا (سر مرده) یک سنگ به‌صورت ایستاده قرار می‌دادند و چنانچه متوفی زن بود یک سنگ در قسمت بالا (سر مرده) و یک سنگ در قسمت پایین (پای مرده) به‌صورت ایستاده قرار می‌دادند (شکل ۱۲).



شکل ۱۲. الف) گورهای چم ژی مومه [۱۷]، ب) گور یک زن در گورستان روستای گدمه (عکس از ع. نوراللهی)

ساختار، شیوه، مراحل حفر قبور و آیین‌ها

ابتدا قطعه زمینی را در کنار قبر نزدیک‌ترین فامیل مشخص و سپس به حفر گور اقدام می‌کنند. اندازه گورها برای دفن زن، مرد و کودک باهم فرق دارد. برای زنان، عمق گور تا سینه حفر می‌شود. به همین منظور، قبل از حفر گور با ریسمان اندازه‌های مرد یا زن متوفی مورد نظر را می‌گیرند، سپس به حفر گور اقدام می‌کنند. طول گور معمولاً بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ سانتی‌متر و عرض آن ۹۰ سانتی‌متر است. پس از حفر گور به اندازه لازم و مورد نیاز برای زن یا مرد، مرحله حفر کردن جای اصلی جسد به عرض ۴۰ تا ۴۵ سانتی‌متر در کف قبر، که لحد نامیده می‌شود (الحه Alhaee)، آغاز می‌شود. لحد از دو دیواره طولی گور نیز ۲۰ تا ۲۵ سانتی‌متر فاصله دارد و عمق تقریبی آن حدود ۴۰ سانتی‌متر است. معمولاً کف این قسمت را با لایه‌ای از خاک نرم می‌پوشانند. این قسمت گور حالت صندوقی پیدا می‌کند. در این حال، گور برای انجام تدفین آماده می‌شود. برای پوشش لحد، عده‌ای سنگ‌های ورقه‌ای پهن از اطراف می‌آورند که این سنگ‌ها باید صاف و پهن و عرض آن حدود ۵۰ سانتی‌متر باشد تا بتواند قسمت بالای لحد یا صندوق جسد را بپوشاند. پس از این مرحله، برای تهیه چانه‌های گلی به قطر ۲۵-۳۰ سانتی‌متر قسمتی از خاک حاصل از حفاری قبر را سرنده و با آب مخلوط می‌کنند تا بعد از قرار دادن جسد در لحد و پوشاندن آن با سنگ‌های ورقه‌ای و زمانی که با لاشه سنگ‌ها کاملاً درز آن‌ها نیز گرفته شد، چانه‌های گلی آماده‌شده را روی این قسمت می‌کوبند و با دست صاف می‌کنند. این عمل برای جلوگیری از ورود گل‌ولای ناشی از باران و برف به داخل لحد یا صندوق گور انجام می‌شود. بعد قبر را با همان خاک پر می‌کنند و در پایان اطراف گور را به شکل مستطیل یا بیضی با سنگ‌چین نشانه‌گذاری می‌کنند و سنگ‌های نشان‌دهنده جنسیت متوفی را در

داخل این سنگ‌چین مستطیلی یا بیضی مستطیل شکل به صورت ایستاده قرار می‌دهند. هنگام حفر قبر، یک معمار محلی بر حفر گور نظارت مستقیم دارد و قسمت صندوق جسد از سوی خود معمار حفر می‌شود، زیرا مستلزم دقت فراوان است.

بین عشایر رسم است که تا هفت شبانه‌روز روی قبر مرده آتش روشن کنند. آتش در فرهنگ کوچ‌نشینان غرب ایران جایگاه والایی دارد که در اینجا علاوه بر اهمیت روزمره در زندگی کوچ‌نشینان، که شب‌های تاریک و سرد کوچ و زندگی زیر سیاه‌چادر را برای آنان قابل تحمل می‌کرد، از جنبه قدسی نیز راهنمای بازگشت ارواح در گذشته به دنیای زندگان است که در آیین‌های کهن ریشه دارد و هنوز رگه‌های از آن در باورهای این مردمان سخت‌کوش جریان دارد. از طرف دیگر، نور و گرمای آتش سبب دورشدن حیواناتی مانند گورکن از قبر می‌شده است.^۱

یکی دیگر از آیین‌های خاص کوچ‌نشینان این مناطق این بوده که بعد از دفن و اتمام مراحل خاک‌سپاری، همسر یا مادر شخص متوفی گیس خود را می‌برد و بر چوبی ایستاده بسته و بر بالای گور قرار می‌دهد. که نشانه اوج دل‌بستگی و آرزوهای بود که با مرگ عزیز به باد سپرده شده بود. این رسم تا دهه ۱۳۴۰ بین ساکنان استان ایلام (منطقه پژوهش‌شده) رواج داشته است. به طوری که هنگامی که راولینسن از این منطقه عبور می‌کرده، در سفرنامه‌اش به آن اشاره کرده است [۸]. در داستان اشیل [۹] و در اسطوره گیل‌گمش [۳] و در شاهنامه فردوسی نیز به این رسم کهن، یعنی بریدن گیسوی زنان و خراشیدن صورت در سوگ همسر و عزیزان، سخن به میان آمده است [۱]. این رسم و شیوه سوگواری هنوز در مناطق ایلام، لرستان و کرمانشاه رایج است و زنان در سوگ عزیز از دست‌رفته، به طور دسته‌جمعی، صورت خویش را همراه با گفتن وایی (وایی همان وای زبان فارسی است) می‌خراشند که به آن شین (shin) گفته می‌شود.

امروزه، جز کفن با شخص متوفی هیچ چیز دیگری دفن نمی‌شود، ولی در حدود ۵۰ تا ۶۰ سال پیش به همراه جسد متوفی، نان خاصی، که به آن پپگه (papegah) می‌گفتند، دفن می‌کردند. علاوه بر آنچه گفته شد، براساس پژوهش‌های باستان‌شناسی، یکی از باورهای مهم دینی جوامع پیش از تاریخ، اعتقاد به دنیای پس از مرگ است. به همین منظور، برای تأمین حیات واپسین، غذا و مایحتاج مورد نیاز زندگی روزمره فرد را با تشریفات ویژه با او دفن می‌کردند [۵]. در بسیاری از موارد، عشایر به دلیل احترامی که برای فرد متوفی (به‌ویژه زنان) قائل بودند، اگر وی در زمان حیات از زینت‌آلات یا اشیایی که جنبه شخصی داشته استفاده می‌کرده، در زمان

۱. این رسم در میان ایلات و عشایر غرب زاگرس مرکزی، یعنی ایل خزل، ملکشاهی، کلهر و دیگر ایلات کردستان ایلام و حتی در جوامع شهری و روستایی از جمله شیروان چرداول، ایوان و ایلام و دیگر شهرهای استان ایلام هنوز به قوت خود باقی است.

مرگ آن را با او دفن می‌کرده‌اند. این نوع تدفین به همراه اشیای تدفینی در مناطق غرب ایران در سنت‌های گذشته ریشه دارند. در کاوش‌های باستان‌شناختی این مناطق امروزه آشکار شده که این شیوه تدفین، که تا چند دهه پیش (البته مراحل کندن گور امروزه هیچ تفاوتی با گذشته ندارد) در میان عشایر رایج بوده، در سنت‌های عصر مفرغ و آهن و حتی پیش‌تر ریشه دارد که مردگان را در قبور چارچینه‌ای با دیواره سنگ‌چین، که تا سقف با تخته‌سنگ‌های بزرگ پوشانده می‌شد، دفن می‌کرده‌اند [۱۵؛ ۱۶؛ ۱۷؛ ۱۸؛ ۱۹؛ ۲۱]. همین مطالعات بیانگر این است که قبرستان‌های مس سنگی، مفرغ و عصر آهن غرب زاگرس مرکزی با محوطه‌های استقرار دائمی ارتباط نداشته و متعلق به نیمه کوچ‌نشینان بوده‌اند، که نشان‌دهنده سازگاری این سنت‌ها با زیست محیط و شرایط جغرافیای خاص منطقه بوده که در گذر زمان با تحولات فرهنگی و دینی این اقوام شکل و شمایل جدیدی به خود گرفته است [۱۳].

خانواده

با مطالعه کوچ‌نشینان و ایل‌های ساکن در غرب زاگرس مرکزی مشخص می‌شود که فردیت کمتر به چشم می‌آید. بلکه جایگاه افراد در یک نظام درهم‌تنیده و منسجم به نام خانوار یا خانواده بروز می‌کند که فعالیت هر یک از اعضا در واقع مکمل فعالیت دیگر اعضاست و در سلسله‌مراتب قدرت و نظام اجتماعی ایلات این منطقه خانوار یا مال کوچک‌ترین واحد اجتماعی است. بسته به اینکه این خانوار در کدام مرتبه یا سلسله‌مراتب قدرت ایلی واقع شده، جایگاه اجتماعی اعضای آن از جمله زنان و مردان مشخص خواهد شد. بنابراین، در ادامه به ساختار ایلی و بعد به خانواده و تقسیم کار و مسائل مرتبط با جایگاه زنان این منطقه می‌پردازیم. نظام اجتماعی و شیوه معیشت و سازمان اقتصادی کوچ‌نشینان غرب زاگرس مرکزی متکی بر محیط جغرافیایی آن‌هاست. به این ترتیب، می‌توان گفت که بستر و مهد چنین نظام اجتماعی همان محدوده قلمروی جغرافیایی است که خصوصیات چنین محیط بدون تردید در آن اجتماع مؤثر افتاده است. نظام اجتماعی طوایف کوچ‌گر مطالعه‌شده، همچنان که گفته شد، شامل: ۱. ایل، ۲. طایفه، ۳. تیره، ۴. بنه‌مال (خاندان)، ۵. مال (خانواده) یا ۱. ایل، ۲. تیره، ۳. طایفه، ۴. خیل - تخمه - هوز - بنه‌مال، ۵. مال است و ساختار قدرت در میان این ایلات به صورت: ۱. ایلخان یا خان، ۲. توشمال، ۳. کدخدا یا کوخا، ۴. پدر خانواده یا سرپرست خانواده بوده است. ساختار و نظام اجتماعی کوچ‌نشینان ایران (به‌طور اعم) و کوچ‌گران مطالعه‌شده (به‌طور اخص) براساس نظام خویشاوندی و پدرسالاری استوار است. درحقیقت، خانواده یا مال زیربنای اصلی جامعه ایلی است و در سلسله‌مراتب تمرکز اجتماعی و روابط گروه‌های خویشاوند همخون علاوه بر کارکرد اصلی آن، که حفظ نسل و ادامه بقای جامعه با زاد و ولد، کارکردهای تولید اقتصادی، خانواده بیشترین نقش را برعهده دارد، زیرا خانواده به‌منزله نوعی جامعه کامل است که سابه‌ای بر فعالیت اقتصادی و فعالیت‌های دیگر (مذهبی-اجتماعی) اعضا گسترده است [۷].

خانواده و نظام خویشاوندی در ایران از گذشته بسیار دور مراحل را پشت سر گذارده که متأسفانه از چگونگی مراحل تطور آن نشانه و اطلاع دقیقی در دست نیست [۷]. خانواده بین کوچ‌نشینان این منطقه کوچک‌ترین و اساسی‌ترین واحد اجتماعی و همچنین واحدی تولید و مصرف است که اعضای آن زیر نظر یک سرپرست فعالیت می‌کنند و یک هدف مشترک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارند [۲]. سرپرست معمولاً یک مرد یا زن^۱ است. که نه تنها هماهنگی سایر اعضا را برعهده دارد، بلکه به‌عنوان رئیس و نماینده خانوار نیز شناخته می‌شود. که وظیفه انجام دادن امور دادوستد و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی سیاسی برعهده اوست. به‌طور کلی، از نظر ترکیبات اعضا، پنج نوع خانوار در میان ایلات و کوچ‌نشینان این منطقه وجود داشته است: ۱. خانواده هسته‌ای، ۲. خانواده چندهمسری، ۳. خانواده گسترده، ۴. خانواده پیوسته؛ ۵. خانواده ناقص [۲]. از آنجا که نظام خویشاوندی کردها براساس خانواده دودمانی (پدرسالاری) استوار است، در جامعه مطالعه‌شده، خانواده در کل از نوع پیوسته و گسترده است.^۲ یکی از ویژگی‌های خانواده در میان ایلات و طوایف این منطقه تقسیم کار است که براساس سن و جنس استوار است. برخی از کارها مختص زنان و برخی بین زنان و مردان مشترک است. کارهای مختص زنان^۳ شامل بچه‌داری (تربیت بچه‌ها)، تهیه آب، پخت‌وپز و نظافت خانه، دوخت لباس، ریسندگی، رنگرزی و بافندگی (سیاه‌چادر، چیت، خورجین و دیگر ملزومات زندگی عشایری)، سفالگری (تا چند دهه گذشته سفالگری در بین عشایر این منطقه توسط زنان به‌صورت محدود انجام می‌شده که امروزه از بین رفته است)، تهیه مشک (کُنه، دورگ یا مشکه و هیزه (روغن دان) که از پوست بز، بزغاله و گوساله تهیه می‌شوند)، تهیه فرآورده‌های لبنی، جمع‌آوری گیاهان خوراکی (کنگر و غازیغی)، قابلگی، همچنین درمانگری (با استفاده از طب سنتی^۴)، انتقال سنت‌ها، گزینش زن و همسر برای فرزندان و پذیرایی از

۱. در میان کوچ‌نشینان و عشایر سایر مناطق مانند بختیاری‌ها این وظیفه، یعنی نظارت بعد از مرگ یا ناتوانی بزرگ خانوار، به فرزند ارشد یا عموی خانواده منتقل می‌شود، ولی در میان ایلات مورد پژوهش این زن (همسر) است که این نقش را برعهده می‌گیرد و هماهنگی را صورت می‌دهد.
۲. البته گاهی خانواده‌های گسسته و هسته‌ای نیز در میان آن‌ها مشاهده شده است. چنین عاملی عموماً در نتیجه تحصیل فرزندان، دعوای خانوادگی، مشکلات اقتصادی-اجتماعی و همین‌طور شرایط عصر حاضر است. البته بدین معنا نیست که همه خانواده با خانواده فرزندانشان در یک سیاه‌چادر به‌سر می‌برند، بلکه به محض ازدواج هریک از فرزندان، سیاه‌چادر و دوار وی جدا می‌شود، ولی در سایر امور دیگر تابع خانواده‌اند.
۳. زنان خانواده معمولاً ندیه داشتند و بسیاری از کارهای آن‌ها را ندیمه‌ها در ازای دستمزد انجام می‌دادند و جایگاه و حتی دخالت در امور سیاسی نیز بیشتر از سوی این زنان صورت می‌گرفته است.
۴. مانند درمان انواع میگرن (سردرد که به آن سرو گرتن یا گردن)، شکم‌درد (افتادن ناف که به آن ناوک و گرتن یا گردن) و درمان بچه‌ها و همچنین درمان احشام مریض نیز از سوی زنان انجام می‌شده است. امروزه نیز با وجود در دسترس بودن پزشکی، این نوع درمان‌ها از سوی زنان انجام می‌گیرد. مرحوم ننی دولت ناصری، نازپرور (نازک) ناصری، طوطی تکاپویی و عزت صیدی‌نژاد در روستای گدومه تیره‌قلی‌وند خزل سه نفر از زنان حاذق در زمینه این

مهمانان است. علاوه بر این کارها، یکسری کارها به صورت همکاری با مرد صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از: شیردوشی، پشم‌چینی (جمع‌آوری و شستن برای ریسندگی) و کشاورزی (عدس‌چینی، جمع‌آوری بافه غلات). البته این به آن معنا نیست که زنان در تصمیمات خانوادگی دخالت ندارند، بلکه در میان ایلات این منطقه زنان در تصمیمات خانوادگی تأثیر زیادی دارند. حتی در بسیاری از موارد زنان کاردان و شایسته اختلافات خانوادگی و طایفه‌ای را حل می‌کرده‌اند که در این منطقه اصطلاحاً گیس‌دار گفته می‌شوند. علاوه بر این، در میان ایل‌های خزل، ملکشاهی و کلهر و طوایف آن، در این منطقه زن دارای جایگاهی خاص است که علاوه بر وظایف سنتی که نام برده شد، بعضی از زنان ریاست و سرپرستی ایل و عشیرت را برعهده گرفته‌اند؛ همچون حلیم خانم، خان هکاری و عادل خانم، خان حلبچه و کدخدان نرگس شوان بوده‌اند [۷]. همچنین، مردمان این منطقه از زنانی می‌گویند که در غیاب شوهران خویش، که برای سرکشی و کنترل قلمرو ایلی یا جنگ‌های فرامنطقه‌ای ماه‌ها در جنگ و گریز بودند، خود با درایت و توانایی سرپرستی ایل و جاننشینی و رتق و فتق امور را در دست داشته‌اند [۴]. برخی از طوایف منطقه پژوهش به نام زنی خاص شناخته می‌شوند و نام و نام فامیل خود را از آن‌ها گرفته‌اند که در برهه‌ای ریاست طایفه را در دست داشته‌اند. در کل، خانواده کارکردها و وظایف متعددی دارد [۲] و جایگاه زنان بسته به قرارگیری در کدام رده یا نوع خانواده باهم تفاوت‌هایی دارد. علاوه بر این، در گذشته براساس رسم خون صلح، که برای برقراری بین‌آشتی بین خانواده‌های مقتول و قاتل برگزار می‌شد، معمولاً دختری از خانواده قاتل را به عقد و زنی یکی از اعضای خانواده مقتول درمی‌آوردند. متأسفانه در اکثر موارد این زنان هیچ نوع حقوق اجتماعی و حتی انسانی نداشتند و باید با شرایط سخت و دردناک این‌گونه وصلت‌ها کنار می‌آمدند. خوشبختانه، دیگر این رسم تقریباً در میان ایل‌های پژوهش‌شده (خزل، ملکشاهی و کلهر) ملغی شده است.

یکی دیگر از مواردی که با پایگاه و جایگاه زنان ارتباط تنگاتنگی دارد، شیوه تک‌همسری یا چندهمسری است. در مناطق پژوهش‌شده، شکل غالب تک‌همسری است. ولی در بین خان‌ها و کدخدایان و گله‌داران بزرگ شکل چندهمسری نیز وجود داشته که غالباً این امر جنبه سیاسی داشته و در جهت تقویت روابط بین ایل‌ها و طوایف بوده است. در بین ایلات و عشایر، طلاق و جدایی امری مذموم به حساب می‌آمده، بنابراین، این موضوع در میان آن‌ها خیلی کم بوده

نوع درمان‌های سنتی‌اند که بدون استفاده از داروهای گیاهی و فقط با انگشتان دست این درمان‌ها را انجام می‌دهند. متأسفانه این شیوه درمانگری در آستانه فراموشی است.

۱. شاه‌پرور همسر خان منصور خان کلهر بوده که در مدت ۷ سال که خان منصور به‌عنوان یکی از سرداران همراه نادر در جنگ قندهار شرکت می‌کند، خود ریاست ایل را برعهده داشت [۴].

۲. از جمله نرگسی، گوهر، زلیخا در شهرستان ایوان و گلزار در ایلام، فرخینوند در شهرستان شیروان چرداول، نرگس صالح‌آباد، این طایفه‌ها و بنه‌مال‌ها امروز یکجانشین شده‌اند و در روستا زندگی می‌کنند.

است. جایگاه زنان در نظام ایلیاتی و کوچ‌نشینان منطقه پژوهش شده بسیار پیچیده و تابع شرایط مختلفی است.



شکل ۱۳. تصویر یکی از زنان حین مصاحبه در سیاه‌چادر بخش پلیه ایوان (عکس از: ع. نوراللهی)

نتیجه‌گیری

از آنجا که سازندگان این گورستان‌ها، چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر شیوه معیشت با ایلات منطقه پژوهش شده، مشابه و یکسان‌اند، این امکان را به ما می‌دهد که از داده‌های امروزی برای بازسازی جایگاه زنان در عصر آهن بهره ببریم. بررسی جایگاه اجتماعی زنان در عصر آهن از آنجا که تاکنون استقرار یا استقرارهای در ارتباط با گورها کشف و کاوش نشده، فقط براساس گورها و اشیای داخل آن‌ها بسیار مشکل و پیچیده است. از طرف دیگر، گورها و محتویات داخل آن‌ها چون تا حدود زیادی ملهم از حیات این افراد است، بخشی از جایگاه آن‌ها را مشخص خواهد کرد؛ به‌ویژه که در قبور زنان و همچنین مردان زیورآلات فراوانی یافت شده است که بخشی از آن‌ها مختص زنان بوده و بخشی نیز بین زنان و مردان مشترک بوده است. در برخی از قبور، اسکلت زن و مرد یا اشیای مختص زنان نیز به‌دست آمده که می‌توان آن‌ها را با چندمسری در بین این مردمان در ارتباط دانست. با مطالعه زندگی کوچ‌نشینان و ایلات این منطقه، همچنان که در این مقاله به آن اشاره شده، زن جایگاه خاصی دارد؛ به‌طوری‌که از سرپرستی خانوار تا ریاست ایل را نیز برعهده داشته‌اند. با بررسی این قبرستان‌ها و مقایسه نوع تدفین آن‌ها با شیوه‌های امروزی کوچ‌نشینان می‌توان گفت که جایگاه زنان در عصر آهن تقریباً با جایگاه زنان در جوامع امروزی کوچ‌نشین مشابهت‌های نزدیکی داشته و جایگاه آنان نیز متأثر از قرارگیری زن در هریک از رده‌های قدرت ایلی یا وابستگی به آن تعریف می‌شده است. اشیای

تدفیینی یافت‌شده در گورها نوعی برابری بین مردان و زنان را نشان می‌دهد. اما این بدان معنا نیست که در زمان حیات نیز حقوق برابری داشته‌اند. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد، اینکه در گور ۶۲ بردبل مهرهای مسطح منقوش، که نشان‌دهنده مالکیت است، به‌دست آمده، ولی در هیچ‌یک از گورهای دیگر متعلق به زنان این نوع مهر به‌دست نیامده است. می‌توان گفت مانند امروزه، جز در مواردی- چنان‌که در بخش جایگاه اجتماعی اشاره شد- زنان مالکیت نداشته‌اند. کارهای مختص زنان در ساختار اجتماعی منطقه پژوهش‌شده نشان‌دهنده این است که زنان طیف وسیعی از مسئولیت‌ها را برعهده داشته‌اند و بیشتر سنگینی این نوع زندگی بر دوش آن‌ها بوده و در جنگ‌ها نیز قربانی خشونت و اسارت و بردگی می‌شده‌اند. ولی، درکل، جایگاه زنان به‌علت اینکه این شیوه معیشتی بر کارهای سخت بدنی و نوعی آمادگی دائمی برای برخورد با حوادث غیرمترقبه طبیعی و غیرطبیعی از جمله جنگ یا تهدیدات ایلات دیگر و دشمنان خارجی همراه بوده نقش مردان را پررنگ‌تر از زنان کرده است.

سپاس‌گزاری

در پایان، لازم می‌دانیم از سرکار خانم سارا علی‌لو سپاس‌گزاری کنم که در بررسی میدانی و مصاحبه‌ها نگارندگان را یاری دادند.

منابع

- [۱] ابوالقاسم فردوسی (۱۳۸۶). *شاهنامه*، دفتر دوم، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دائرة المعارف اسلامی.
- [۲] بهاروند، سکندر امان‌اللهی (۱۳۸۴). *کوچ‌نشینی در ایران*، پژوهش درباره ایلات و عشایر، تهران: آگاه.
- [۳] ساندازز، ن.ک. (۱۳۸۳). *حماسه گیل‌گمش*، ترجمه محمداسماعیل فلزی، تهران: هیرمند.
- [۴] قاسمی، محمدعلی؛ خانی، علیرضا (۱۳۷۹). *دیوان کامل شکوه و خان منصور*، ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.
- [۵] طلائی، حسن (۱۳۸۱). «سنت‌ها و شیوه‌های تدفیینی در عصر آهن ایران (حدود ۸۰۰-۱۴۵۰ ق. م)»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دانشگاه تهران.
- [۶] کابلی، میر عابدین (۱۳۶۷). «گزارش حفاری گورستان کان گنبد ایلام»، *میراث فرهنگی ایلام*، منتشرنشده.
- [۷] طیبی، حشمت‌الله (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی ایلات و عشایر*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۸] راولینسون، هنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون*، گذر از زهاب به خوزستان، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران.
- [۹] مختاریان، بهار، «موی بریدن در سوگواری»، *نامه فرهنگستان*، ش ۴۰، ص ۵۵-۵۵.

- [۱۰] مدودسکایا، یانا (۱۳۸۳). *ایران در عصر آهن ۱*، ترجمه علی‌اکبر وحدتی، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- [۱۱] معتمدی، نصرت (۱۳۶۵). «آئین تدفین در لرستان هزاره اول پیش از میلاد»، مجله *باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۱، پاییز و زمستان، ص ۳۱-۴۲.
- [۱۲] نیکنامی، کمال‌الدین، سعیدی، محمدرضا؛ هرسینی؛ دژم‌خوی، مریم (۱۳۹۰). «درآمدی بر تاریخچه مطالعات زنان در باستان‌شناسی»، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، ش ۳، ص ۵-۱۷.
- [۱۳] نورالهی، علی (۱۳۸۴). «سومین فصل بررسی باستان‌شناختی شهرستان ایوان»، میراث فرهنگی ایلام، منتشر نشده.
- [14] Fleming, S.J., V.C. Pigott, C.P. Swann, S.K. Nash, E. Haernck & B. Overlaert, 2006, *The Archaeometallurgy of War Kabud, Western Iran, Iranica Antiqua, Vol. XLI*, pp 31-57.
- [15] Haerinck, E and B. overlaet (1996) *The chalcolithic period parchinah and Hakalan, Royal museums of art and history, Brussels.*
- [16] Haerinck, Ernie and Bruno Overlaet , 1998, "Chamahzi Mumah: An Iron Age III Graveyard, Luristan excavation documents 2 " , Leuven: Acta Iranica 33.
- [17] Haerinck, Ernie and Bruno Overlaet, 1999, "Djub-i Gauhar and GulKhanan Murdah: Iron Age III Graveyards in the Aivan Plain, Luristan excavation documents 3" , Leuven: Acta Iranica 36.
- [18] Haerinck, E., & Overlaet, B., 2002. *The Chalcolithic and the Early Bronze Age in Pusht-i Kuh, Luristan (West-Iran): Chronology and Mesopotamian contacts, Akkadica 123, 2002, pp. 163-181, 9 fig.*
- [19] Haerinck, Ernie and Bruno Overlaet, 2004, "The Iron Age III Graveyard at War Kabud, Pusht-i Kuh, Luristan, Luristan excavation documents 5" , Leuven: Acta Iranica 42.
- [20] Mohammadifar, Yaghoub, Peyman Mansouri & Hassan Rezvani, 2014, Preliminary Report on the Salvage Excavation at the Kolâšeg, Guilan- E Gharb of Kermanshah, Iran, *Global Journal of HUMAN-SOCIAL SCIENCE, History, Archaeology & Anthropology, Volume 14 ,Issue 2, Online ISSN: 2249-460x & Print ISSN: 0975-587X.*
- [21] Overlaet, Bruno ,2003, *The early Iron Age in the pusht - I kuh, Luristan, (Luristan- Excavtion Documents 1, 2, 3, 4), Acta Iranica, 3e serie, Leuven.*
- [22] VandenBergheh, L, 1987, *Les pratiques funéraires à l'âge du Fer III au Pusht-i Kūh, Luristān: les nécropoles 'genre War Kabūd', Iranica Antiqua 22, pp 201-266.*
- [23] Vanden Berghe, 1982, *Luristan. Een verdwenen bronskijst uit West-Iran, Gent, 231p. ill.*
- [24] Vanden berghe, 1977, *la necropole de Chamzhi Mumeh. une grande fouille de I age du fer au luristan, iran, archeologia, n108, pp52-63, 19fig.*
- [25] Vanden berghe 1973, *Recherches Archeologiques dans le Luristan, Fouilles a Bard -i- bal et apayikal, prospections dans le district d Aivan, Iranica Antiqua, Vol X, p.1-79, 28fig., pl.I-XXXI.*
- [26] Vanden berghe, 1972, *Recherches archeologiques dans le luristan Cinquieme*

- campagne 1969. Prospections dans le Pusht-kuh central, *Iranica Antiqua*, vol. IX, pp. 1-48, 12 fig., XX pl.
- [27] Vanden Berghe. L; 1968, *Het Archeologisch onderzoek Noor De Branscultuur Van Luristan, Opgravingen In pusht-ikouh, kalwale En warkabud (1965 en 1966) Les Recherches Archeologiques Dans le Luristan Fouilles Dans Le pusht-i- kouh kalwali et warkabud*, Brussel.